

تحلیل رفاه اجتماعی در ایران با تاکید بر توسعه انسانی از منظر جامعه‌شناسی اقتصادی

منیره دیزجی^۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده

یکی از معیارهای مناسب برای سنجش شرایط هر کشوری، ارزیابی وضعیت اجتماعی و رفاهی آن کشور بوده و بایستی بهبود وضعیت رفاه اجتماعی هر جامعه‌ای به عنوان یکی از اهداف کلان اقتصادی مدنظر قرار گیرد. مفهوم توسعه انسانی به جای تمرکز بر ابزار، به اهداف پیشرفت و توسعه تاکید دارد. توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آن‌هاست. مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه هستند. موضوع این تحقیق بررسی تاثیر ابعاد توسعه انسانی بر رفاه اجتماعی در ایران است. جامعه آماری متغیرهای کلان اقتصاد ایران در طی سال‌های ۱۳۶۶ الی ۱۳۹۶ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و روش خود رگرسیون برداری انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین شاخص توسعه انسانی و رفاه اجتماعی در ایران وجود دارد. به طوری که مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص آموزش (تحصیلات)، امید به زندگی و درآمد سرانه به ترتیب برابر $۲/۸۶۵۴۷$ ، $۲/۶۳۵۷۴$ و $۴/۲۸۷۴۵$ است. همچنین نتایج بررسی‌ها نشان داد شوک در شاخص توسعه انسانی از قبیل شوک‌های آموزش، شاخص امید به زندگی و درآمد سرانه به ترتیب $۲۰/۴۷۲$ ، $۰/۶۴۵$ و $۳/۴۵۶$ درصد در کوتاه مدت و $۷۵/۸۸۳$ ، $۰/۹۸۶$ و $۵/۵۸۷$ درصد از تغییرات بلند مدت رفاه اجتماعی در ایران را توضیح می‌دهند. واژگان کلیدی: توسعه انسانی، رفاه اجتماعی، آموزش، امید به زندگی، درآمد سرانه.

مقدمه

تأمین رفاه^۱ جامعه یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران جوامع مختلف بوده و سعی آن‌ها بر این است تا سیاست‌هایی که در زمینه اقتصاد اتخاذ می‌گردد، باعث بهبود شرایط اقتصادی و در نهایت رفاه اجتماعی و اقتصادی گردد (مهدوی، ۱۳۹۵: ۲۲). در زمینه سنجش و تعیین سطوح توسعه یافتگی روش‌های متعددی وجود دارد که جدیدترین و علمی‌ترین آن‌ها مدل توسعه انسانی است. بهبود شاخص توسعه انسانی بهترین ساز و کار برای دستیابی به هدف ارتقا سطح زندگی و رفاه اجتماعی انسان‌ها است که از طریق بهره‌گیری از توان‌مندی‌های انسانی حاصل می‌شود. ارتقا سطح کیفیت زندگی افراد یک جامعه در گرو تحول اساسی در متغیرهای اقتصادی، آموزشی و بهداشتی است (برخورداری، ابریشمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۸: ۲۱۸). به عبارت دیگر می‌توان گفت که رابطه‌ای بسیار قوی دو طرفه بین توسعه اقتصادی و توسعه سرمایه انسانی وجود دارد. توسعه انسانی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل رشد اقتصادی و به تبع آن رفاه اجتماعی در نظر گرفته شود. از یک طرف رشد و توسعه اقتصادی منابع لازم در جهت بهبود توسعه انسانی را فراهم می‌آورد و از طرف دیگر بهبود توسعه انسانی موجب تقویت در رشد اقتصادی می‌گردد (پارسا و پناهی، ۱۳۹۷: ۳).

رفاه اجتماعی منابعی را فراهم می‌کند که امکان بهبود پایدار در توسعه انسانی را به وجود می‌آورد و از طرف دیگر توسعه انسانی و افزایش کیفیت افراد و نیروی کار در اقتصاد باعث رفاه اجتماعی می‌شود. بنابراین ملاحظه می‌شود که این رابطه به لحاظ نظری یک رابطه مثبت معنادار و دوطرفه است. تابع رفاه اجتماعی از نظر لغوی رابطه بین سطح رفاه اجتماعی و شیوه اختصاص منابع را در یک جامعه نشان می‌دهد. هرگونه تصمیم اجتماعی یا فردی را می‌توان تعامل ترجیحات یا علائق تصمیم‌گیرنده‌ای در نظر گرفت که در عمل طیفی از تصمیمات بدیل در دسترس او قرار دارد که مجموعه فرصت خوانده می‌شود (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴: ۲۳۳).

هدف از مطرح شدن توسعه انسانی ایجاد محیطی توان‌مند برای مردم در برخوردار شدن از زندگی طولانی‌تر، سالم‌تر و خلاق‌تر است. این شاخص دارای دو وجه می‌باشد؛ یکی ایجاد قابلیت‌های انسانی مانند بهبود در سلامت، دانش و مهارت است؛ و دیگری، استفاده افراد از قابلیت‌های کسب شده برای ایجاد فرصت‌های مانند فعال بودن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و ... است (وفایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳). در نتیجه شناخت این عامل و مولفه‌های موجود در آن، نقش قابل انکاری در بالا بردن بهره‌وری نیروی انسانی و در نتیجه تولید و به تبع آن رفاه اجتماعی خواهند شد. بنابراین هدف اصلی این تحقیق بررسی تابع رفاه اجتماعی با تاکید بر شاخص توسعه انسانی (HDI)^۲ است.

^۱. Welfare

^۲. Human Development Index

رفاه اجتماعی، دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در بر می‌گیرد که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود، امروزه برنامه‌های رفاه اجتماعی فقط به حوزه خاصی مثل بهداشت یا بیمه محدود نمی‌شود، بلکه این برنامه، مجموعه واحدی از فعالیت‌ها را در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، فرهنگی و حقوقی شامل می‌شود. تمامی مشکلات با دستیابی به نرخ‌های رشد زیاد حل نمی‌شود. بنابراین در فرآیند اقتصادی کشور سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، علاوه بر رشد باید توسعه اقتصادی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار دهند که نتیجه آن افزایش شاخص‌های رفاه اجتماعی است. رفاه عبارت است از مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، برنامه‌ها و سیاست‌هایی که در چارچوب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی جهت پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان عرضه می‌شود تا زمینه رشد او را فراهم نماید (آرمان‌مهر و فرهنگ‌منش، ۱۳۹۶: ۵۳). همچنین، رفاه، بیانگر قدرت خرید و توانایی در کسب تسهیلات و امکانات زندگی است (وفائی، محمدزاده، اصغرپور و فلاحی، ۱۳۹۷: ۳).

رفاه اجتماعی به مفهوم فراهم ساختن آسایش جسمی، روحی و فکری زندگی انسان‌ها می‌باشد که کلیه جنبه‌های مادی و معنوی آحاد جامعه را با دامنه‌ای بسیار گسترده در بر می‌گیرد، هم‌چنان که مسائلی از قبیل امنیت جان و مال، تأمین شغل، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تأمین مسکن و مانند این‌ها را نیز شامل می‌شود (امین‌رشتی و قربانی ولیک چالی، ۱۳۹۲: ۸۳). هم‌چنین رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی از قبیل بعد زیستی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد؛ از جمله بعد زیستی، شامل سلامت جسمی (در مقابل معلولیت و بیماری) و سلامت روانی (ترکیب جمعیت، هرم سنی، امید به زندگی، تغذیه و...)، بعد حقوقی، شامل قوانین حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان، قوانین کیفی جزائی در مورد بزهکاری، جوانان و آسیب‌های اجتماعی. بعد اجتماعی، شامل مسائلی مانند امنیت، مهارت اجتماعی، فراغت، اشتغال، خانواده، آسیب اجتماعی، جمعیت، گروه‌های در معرض خطر؛ از جمله زنان و کودکان و مشارکت اجتماعی. بعد اقتصادی، شامل بررسی فقر، امنیت، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه‌ای، اقتصاد خیریه‌ای و غیرانتفاعی، عدالت اجتماعی، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر و... (نادمی و مفتخری، ۱۳۹۶: ۱۱).

از طرفی نگرش‌های مختلفی در مورد رفاه اجتماعی به چشم می‌خورد. به طور کلی می‌توان سه نوع نگرش، نسبت به رفاه اجتماعی را از یکدیگر تمییز داد: الف) نگرش حداقلی که از آن به عنوان «پسماندی» نیز تعبیر می‌شود و بر اساس آن، دخالت دولت در کمک به نیازمندان نهی شده و تنها زمانی که جامعه، خانواده و بازار از این مهم باز مانند، دخالت می‌کند. ب) نظام مشارکتی مبتنی بر اشتغال و مشارکت افراد در تأمین منابع مالی و سیاست‌های رفاهی است. ج) نظام جامع رفاه که مبتنی بر رفاه نهادی است و در آن دولت‌های سوسیال دموکرات، عهده‌دار ارتقای سطح کیفی و کمی افراد جامعه می‌شوند و رفاه باید مانند خدمات عمومی برای آحاد کشور تأمین شود. رفاه نه فقط برای فقرا، بلکه برای

همگان است (اکپان^۱، ۲۰۱۱: ۱۶۱). رفاه اجتماعی بر اساس تعاریف اقتصاددانان مختلف در قالب فرم‌های تابعی متعددی شکل گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به توابع رفاه اجتماعی^۲ برگسون-ساموئلسون^۳، ارو^۴، فردی^۵، هرسانی^۶، اتکینسون^۷، مطلوبیت‌گرا^۸، رالس^۹، سن^{۱۰} اشاره کرد.

توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آن‌هاست. مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه هستند. به این ابعاد می‌توان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را افزود. این مفهوم بین دو جنبه از توسعه انسانی تفاوت قائل می‌شود: اول، شکل‌دهی توانایی‌های انسانی مانند بهبود سلامتی و دانش و دوم لذت بردن از این توانایی‌ها در محیط کار و تفریح است (خوشنویس و پژویان، ۱۳۹۱: ۶۹). مفهوم توسعه انسانی یک مفهوم کلی و جامع است که افراد را در مرکز تمام جنبه‌های فرایند توسعه قرار می‌دهد.

شاخص توسعه انسانی با استفاده از سنجش میزان رفاه به ویژه رفاه در میان کودکان و افراد با سنین پایین برآورده می‌گردد و از جمله کاربرد این آمارها می‌توان به سنجش توسعه یافتگی کشورها و سنجش تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر استانداردهای زندگی اشاره کرد. این برآورد برای نخستین بار توسط یک اقتصاددان پاکستانی به نام محبوب‌الحق^{۱۱} و اقتصاددانی هندی به نام آمارتیا سن^{۱۲} ابداع شد.

ناکافی بودن معیار رشد اقتصادی و درآمد سرانه در تعیین رفاه شهروندان موجب شد که برخی اقتصاددانان توجه خود را به شاخص‌هایی معطوف سازند که علاوه بر متغیرهای اقتصادی، دربر گیرنده متغیرهای اجتماعی و انسانی نیز باشد. یکی از مهم‌ترین این شاخص‌ها، شاخص توسعه انسانی است. این شاخص که سالانه توسط بانک جهانی ارائه می‌گردد، ارائه دهنده جدیدترین اطلاعات مربوط به توسعه جهانی می‌باشند و شامل برآوردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی است. این شاخص مبتنی بر این ایده اساسی است که لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است.

شاخص توسعه انسانی در صدد اندازه‌گیری متوسط دستیابی در یک کشور در سه بعد اساسی توسعه انسانی است که این ابعاد عبارتند از: زندگی طولانی توأم با سلامتی، دانش، استاندارد شایسته زندگی

1. Akpan

2. Social welfare Functions

3. Bergson-Samuelsan

4. Arrow

5. Individualistic

6. Harsany

7. Atkinson

8. Utilitarian

9. Rawlsian

10. sen

11. Mahbub-UL Hag

12. Amartya Sen

(رفاه اقتصادی) (سامتی، صامتی و قضاوی، ۱۳۸۷: ۵۱). امید به زندگی^۱ در آغاز تولد سطح سلامت و بهداشت افراد جامعه را نشان می‌دهد، زیرا گسترش استعدادها و نیز انتخاب‌های انسانی در گرو عمر طولانی همراه با سلامت آنان است. طول عمر بیشتر به عنوان معیار امید به زندگی علاوه بر این که نشان دهنده تغذیه مناسب‌تر و برخورداری از امکانات بهداشتی است، فرصت بیشتری را برای زندگی و انتخاب به انسان‌ها می‌دهد (محمدعلیخانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱۴).

اهمیت آموزش^۲ به عنوان شاخص مهم توسعه انسانی موجب شده است که با سواد بزرگسالان و نیز میزان ثبت نام در تمام دوره‌های مختلف تحصیلی مورد استفاده قرار گیرد. این شاخص، در مورد آموزش دو معیار نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ ناخالص ثبت نام به صورت ترکیبی از نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و تحصیلات عالی را در برمی‌گیرد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۲).

تولید ناخالص داخلی سرانه شاخص دیگر سطح زندگی است که نمایانگر رفاه و سطح زندگی افراد جامعه است. اگر چه انتظار می‌رود که کشورهای با درآمد سرانه بالاتر از شاخص توسعه انسانی بالاتری برخوردار باشند ولی لزوماً چنین نیست. مقایسه‌های بین کشوری نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها با درآمد سرانه بالاتر در سطح پایینی از شاخص توسعه انسانی قرار دارند و بالعکس در برخی از کشورها رتبه شاخص توسعه انسانی از رتبه درآمد سرانه آن‌ها بالاتر است. مثلاً با بالا رفتن قیمت نفت در آمد سرانه کشورهای نفت خیز افزایش می‌یابد و این افزایش موجب بالا رفتن شاخص توسعه انسانی گردیده و رتبه شاخص توسعه انسانی را بالا می‌برد بدون این که لزوماً تغییر عمده‌ای در امید به زندگی و پیشرفت آموزشی حاصل شده باشد (معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی، ۱۳۹۸: ۵). به عبارت دیگر آن چه باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه مسئولین قرار گیرد، شکاف بین رتبه درآمد سرانه و رتبه شاخص توسعه انسانی است. منفی بودن شکاف بین رتبه درآمد سرانه و رتبه شاخص توسعه انسانی به این معنا است که درآمدهای تحصیل شده به اندازه کافی صرف بهبود کیفیت زندگی شهروندان و متغیرهای توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، رفاه و تامین اجتماعی) نمی‌شود یا به بیانی دیگر شهروندان کشور اثر افزایش در آمد (به ویژه در مورد کشورهای نفتی) را در زندگی روزمره خود لمس نمی‌کنند.

مطالعات انجام شده در زمینه عوامل موثر بر رفاه اجتماعی، به بررسی تاثیر عواملی از قبیل آموزش نیروی انسانی، جهانی شدن، سیاست‌های مالی، ارزی، اندازه و مخارج دولت، تورم و میزان جمعیت بر رفاه اجتماعی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. در برخی دیگر از مطالعات نیز تاثیر بر رفاه اجتماعی از روش‌های غیرمستقیم مطرح شده‌اند؛ به طور مثال استفاده از فناوری در فرآیند تولید که باعث افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه منجر به افزایش درآمد ملی می‌گردد، در صورتی که با بهبود در توزیع درآمد همراه باشد باعث افزایش رفاه اجتماعی خواهد شد، بنابراین در چنین مطالعاتی عمدتاً به تاثیر عواملی بر روی توزیع درآمد پرداخته شده است تا تاثیر آن عوامل بر رفاه

¹. Life Expectancy

². Education

اجتماعی مشخص گردد. در این تحقیق تاثیر مستقیم شاخص توسعه انسانی (در سه بعد آموزش، بهداشت و درآمد) بر رفاه اجتماعی در کوتاه مدت و بلند مدت مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر با توجه به آن که از توسعه انسانی به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر رفاه یاد می‌شود؛ هم‌چنین با توجه به ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و سلامت در توسعه انسانی پرسش اساسی این است که آیا توسعه انسانی در هر یک از ابعاد آموزش، بهداشت و درآمد بر رفاه اقتصادی اثرگذار است و نیز ایجاد شوک در هر یک از متغیرهای مذکور چه تاثیری بر رفاه اجتماعی خواهد داشت؟ برای پاسخ به این سوال و بیان بدیع بودن روش بررسی تحقیق حاضر، در ادامه مطالعات انجام شده در زمینه رفاه اجتماعی و عوامل موثر بر آن مرور می‌شود.

قائد و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی نقش آموزش نیروی انسانی در رفاه اجتماعی کشورهای عضو اوپک برای دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۷ با استفاده از روش پانل پویا مبتنی بر روش تعمیم یافته گشتاورها پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش آموزش نیروی انسانی، رفاه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. هم‌چنین نتایج آزمون علیت تودا و یاماماتو نشان می‌دهد یک رابطه یک طرفه از شاخص آموزش نیروی انسانی به رفاه اجتماعی وجود دارد.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۷)، اثر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی‌شدن بر رفاه اقتصادی برای ۵۰ کشور منتخب در سه طبقه درآمدی طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۵ را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای این منظور، رفاه اقتصادی با استفاده از شاخص ترکیبی جهانی شدن محاسبه شده است. نتایج برآورد الگو در قالب چهار مدل با روش داده‌های تابلویی نشان داده که در کشورهای با درآمد بالا بعد اقتصادی و اجتماعی جهانی‌شدن بر رفاه اقتصادی اثر مثبت داشته و بعد سیاسی اثر معناداری ندارد. این در حالی است که در کشورهای با درآمد متوسط، تنها بعد اقتصادی جهانی‌شدن بر رفاه اقتصادی اثرگذار (مثبت) است. هم‌چنین در کشورهای با درآمد پایین، رفاه اقتصادی به طور معکوس از جهانی‌شدن اقتصادی و اجتماعی اثر می‌پذیرد و جهانی‌شدن سیاسی بر رفاه، اثر معناداری ندارد. درآمد سرانه با اثر مثبت همراه است و تورم اثر معناداری بر رفاه اقتصادی ندارد. بر اساس نتایج، افزایش روابط اقتصادی در کشورهای با درآمد بالا و متوسط پیشنهاد می‌شود.

رافعی و صیادی (۱۳۹۷)، تاثیر سیاست مالی دولت بر رفاه اجتماعی در ایران را با تأکید بر شاخص آمارتپاسن و رهیافت آزمون کرانه‌ها طی دوره زمانی سالیانه ۱۳۹۳-۱۳۵۰ بررسی کرده‌اند. متغیرهای تحقیق شامل تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، مخارج جاری و عمرانی دولت و رفاه اجتماعی بوده است. نتایج نشان می‌دهد در کوتاه مدت مخارج جاری دولت با رفاه اقتصادی رابطه معکوس و مخارج عمرانی و رشد اقتصادی با رفاه اقتصادی رابطه مستقیم دارند، اما در بلند مدت متغیر مخارج جاری با رفاه اجتماعی رابطه مستقیم و متغیر مخارج عمرانی دولت با رفاه اجتماعی رابطه معکوس دارد. یافته دیگر آن

که بررسی سرعت تعدیلات در مدل نشان می‌دهد در هر سال ۲۳ درصد از عدم تعادل در رفاه اجتماعی در دوره بعد تعدیل می‌شود و حاکی از آن است که تعدیل به سمت تعادل نسبتاً به کندی صورت می‌گیرد. نادمی و مفتخری (۱۳۹۶)، حد بهینه فعالیت‌های دولت و رفاه اجتماعی در ایران را طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۹۱ بررسی کرده‌اند. آن‌ها با مدل‌سازی عوامل مؤثر بر رفاه اجتماعی با تأکید بر تأثیر اندازه دولت، مدل رگرسیون آستانه‌ای برای اقتصاد ایران را برآورد کرده‌اند. آن‌ها با برآورد حد آستانه اندازه دولت، میزان اندازه دولت را به دو رژیم اندازه بزرگ و کوچک دولت تقسیم کرده و نشان می‌دهند که اندازه دولت تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر شاخص رفاه اجتماعی داشته است. همچنین، وقفه اول رفاه اجتماعی در هر دو رژیم اندازه دولت کوچک و بزرگ تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی داشته است. علاوه بر آن، در رژیم اندازه دولت کوچک، افزایش درجه باز بودن اقتصاد تأثیر معناداری بر سطح رفاه اجتماعی نداشته است اما با گسترش اندازه دولت و قرار گرفتن در رژیم اندازه دولت بزرگ، درجه باز بودن تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی داشته است. نهایتاً، نرخ بیکاری در رژیم اندازه دولت کوچک تأثیری معنادار بر رفاه اجتماعی نداشته است در حالی که در رژیم اندازه دولت بزرگ تأثیر بیکاری بر رفاه اجتماعی منفی و معنادار بوده است.

ناصر بافقی و دهقان تفتی (۱۳۹۵)، در تحقیقی به مقایسه تطبیقی تأثیر تورم بر رفاه اقتصادی برخی از کشورهای عضو اوپک در دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۳ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش داده‌های تابلویی بیانگر آن است که متغیرهای جمعیت و تجارت خارجی دارای تأثیر مثبت و متغیرهای تورم، مخارج دولتی و بدهی‌های خارجی دارای تأثیر منفی بر رفاه در کشورهای مورد بررسی می‌باشند.

حیدری و اصغری (۱۳۹۳)، تأثیر تغییرات باروری و میزان جمعیت بر رفاه اقتصادی را با تأکید بر سرمایه انسانی در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۷۰ بررسی کردند. آن‌ها بیان می‌کنند که تغییر در میزان باروری، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تغییرات جمعیتی و نقش آن در عرضه نیروی کار و در نتیجه رشد تولید، عنصر مهم رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی هر کشور تلقی می‌شود. نتایج حاصل از تخمین مدل غیرخطی رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی (PSTR) به کار گرفته شده در این مطالعه، با ارائه اثر منفی میزان باروری و نیز اثرات مثبت میزان درآمد و جمعیت کشورها بر نیروی کار مؤثر، بیانگر این نکته است که در گروه کشورهای مورد مطالعه، تبادل کمیت و کیفیت در جمعیت، به نفع نیروی کار مؤثر و در جهت افزایش کیفیت آن عمل می‌نماید که خود قادر به افزایش رشد تولید و رفاه در این کشورها می‌باشد. این موضوع از مثبت بودن اثر میزان جمعیت بر سطح تحصیلات و سلامت به عنوان شاخص‌های تعیین کننده رفاه در این کشورها قابل استنتاج است.

خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۹)، در تحقیقی توصیفی به بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی پرداخته و بیان می‌کنند که نیروی انسانی هر کشوری، ثروت واقعی آن کشورها محسوب می-

گردند. آن‌ها درصدد شناخت شرایط توسعه انسانی در کشورهای اسلامی و مقایسه وضعیت این کشورها با دیگر کشورهای جهان هستند. نتایج نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی از نظر شاخص توسعه انسانی تفاوت‌های زیادی با هم دارند. بررسی ضریب همبستگی بین شاخص توسعه انسانی و سطح سواد در سطح جهان نشان می‌دهد که یک رابطه مثبت و خیلی قوی در این زمینه وجود دارد. در بین کشورهای اسلامی ضریب همبستگی بین شاخص توسعه انسانی با سطح سواد و میزان درآمد سرانه به ترتیب ۰/۸۴۸ و ۰/۶۱۹ می‌باشد، در نتیجه شاخص توسعه در بین کشورهای اسلامی بیشتر متأثر از سطح سواد می‌باشد.

سامتی و همکاران (۱۳۸۷)، در تحقیقی اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در ایران را طی دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۸۲ بررسی کرده‌اند. روش مطالعه توصیفی تحلیلی مبتنی بر روش علی و معلولی و آزمون‌های اقتصادسنجی است. مهم‌ترین نتایج حاکی از این است که مخارج موزون دولت بر رفاه اجتماعی اثر مثبت داشته، و نکته‌ای که باید به آن توجه کرد ترکیب مخارج موزون دولت است که از هزینه‌های بهزیستی، آموزش و بهداشت تشکیل شده و بر اساس نتایج هزینه‌های آموزشی دولت دارای بیشترین وزن در مخارج دولت است و مخارج بهداشتی و بهزیستی دولت به ترتیب، اولویت‌های بعدی دارد. درآمدهای نفتی دولت در بودجه بر رفاه اجتماعی اثر مثبت دارد ولی هزینه‌های نظامی دولت بر رفاه اجتماعی تأثیر معناداری ندارد.

مجتهد و احمدیان (۱۳۸۶)، اثر سیاست‌های ارزی مختلف بر رفاه اجتماعی ایران را طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۴۷ بررسی کرده‌اند. آن‌ها دو موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. موضوع اول بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر تابع رفاه اجتماعی از طریق ایجاد ثبات است و موضوع دیگر آزمون این فرضیه که سیاست ارزی شناور مدیریت شده نسبت به سایر سیاست‌های ارزی، ثبات بیشتری در رفاه ایجاد می‌کند. به همین منظور، پنج سیاست ارزی در نظر گرفته شده است که عبارتند از «سیاست تثبیت نرخ ارز رسمی»، «سیاست هدایت نرخ ارز بر اساس برابری قدرت خرید»، «سیاست شناور مدیریت شده»، «سیاست تعیین نرخ ارز به شکل شبه شناور» و «سیاست هدایت نرخ ارز بر اساس درصد انحراف نرخ بازار موازی». برای انتخاب مدلی که متناسب با ساختار اقتصاد ایران باشد، از شاخص‌های آماری تایل، اریب، ریشه میانگین مربع خطا و ریشه میانگین مربع درصد خطای نسبی استفاده کرده‌اند. هدف دوم، تعیین سیاست ارزی است که کمترین نوسان را در رفاه ایجاد کند و برای بررسی آن از شاخص ثبات استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سیاست ارزی شناور مدیریت شده نسبت به سایر سیاست‌های ارزی ثبات بیشتری در متغیرهای هدف یعنی رفاه، شاخص قیمت مصرف کننده، واردات، و حجم پول ایجاد می‌کند. در ادامه به مطالعات خارجی در زمینه عوامل موثر بر رفاه اجتماعی اشاره می‌شود و نکته قابل توجه این است که در اغلب این مطالعات تأثیر عوامل مختلف بر توزیع درآمد مطرح شده و از این طریق تأثیر

آن عوامل بر رفاه اجتماعی نتیجه‌گیری شده است. فورنییر و جوهانسون^۱ (۲۰۱۶)، اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی و نابرابری را در کشورهای OECD طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۹ را با روش داده‌های تابلویی بررسی کرده و بر این نکته تأکید می‌کنند که بزرگی بیش از اندازه دولت منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. در مقابل افزایش هزینه‌های رفاه اجتماعی می‌تواند نابرابری را به عنوان هزینه توزیع مجدد، کاهش دهد و در نتیجه رفاه اجتماعی افزایش یابد.

آنتراس و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، پیامدهای رفاهی جهانی شدن را طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۷۹ در ایالات متحده مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که تجارت نه تنها درآمد کل بلکه نابرابری درآمد را نیز افزایش داده است که در نتیجه افزایش نابرابری درآمد، منافع ناشی از افزایش درآمد تا ۲۰ درصد کاهش یافته و با توزیع مجدد درآمد می‌توان بر منافع ناشی از تجارت افزود.

هارتمن و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، به بررسی تاثیر پیچیدگی اقتصادی و نهادها بر توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در ۱۲۲ کشور جهان با جمعیت بیش از ۱/۵ میلیون نفر و کل صادرات بیش از یک میلیارد دلار، طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۲ پرداخته‌اند. لازم به ذکر است کشوری دارای اقتصاد پیچیده می‌باشد که توانایی تولید محصولات متنوع و متمایز را داشته باشد. نتایج داده‌های تابلویی نشان دادند که افزایش پیچیدگی اقتصادی با کاهش نابرابری درآمد همراه است و کشورهای صادرکننده محصولات پیچیده‌تر، نابرابری درآمد کمتری نسبت به کشورهای صادرکننده محصولات ساده دارند.

الشهرانی و السدیق^۴ (۲۰۱۴)، مطالعه‌ای در مورد اثرات مخارج دولت بر رفاه و رشد اقتصادی در کشور عربستان انجام داده‌اند. آن‌ها با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی به برآورد اثرات مخارج دولت بر رفاه و استخدام نیروی کار با استفاده از داده‌های سالانه طی دوره ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۰ مبادرت ورزیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری داخلی خصوصی و دولتی و همچنین هزینه بهداشتی، باعث تحریک رفاه و در پی آن رشد در بلند مدت شده است.

هیموس و همکاران^۵ (۲۰۱۴)، به بررسی تاثیر نوآوری بر توزیع درآمد ایالات متحده طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۶۵ پرداخته‌اند و نشان دادند که به دلیل ظهور ماشین‌آلات جدید و نیاز به نیروی کار با مهارت بالا و دستمزد بیشتر، دستمزد واقعی نیروی کار با مهارت کم کاهش یافته و بدین ترتیب نابرابری درآمد افزایش یافته و رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد.

گومانی و همکاران^۶ (۲۰۰۵)، در مقاله‌ای با کمک داده‌های تابلویی به آزمون این فرضیه که مخارج دولت منجر به افزایش رفاه کل می‌شود پرداخته‌اند. برای این کار تأثیر کمک‌های مالی بر روی شاخص

^۱. Fournier, Johansson

^۲. Antras, et al

^۳. Hartmann, et al

^۴. Alshahrani, Alsadiq

^۵. Hemous et al

^۶. Gomanee, et al

توسعه انسانی (HDI) و مرگ و میر نوزادان (به عنوان معیارهای رفاه) در طول دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ برای ۱۰۴ کشور در دو مجموعه کم درآمد و با درآمد متوسط اندازه‌گیری شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که مخارج دولت باعث بهبود شاخص‌های رفاه در هر دو گروه از کشورها شده که این تأثیرگذاری در کشورهای با درآمد پایین بیشتر بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق مطالعه حاضر، روش علی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری اقتصاد ایران و متغیرهای کلان آن شامل شاخص رفاه اجتماعی، تولید سرانه، شاخص تحصیلات و ... می‌باشد. در این تحقیق داده‌های سری زمانی مربوط به متغیرها از سال ۱۳۶۶ الی ۱۳۹۶ جمع‌آوری شده است. برای گردآوری اطلاعات در مورد ادبیات موضوع و پیشینه از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. همچنین داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق از طریق سایت آماری بانک مرکزی و همچنین سایت توسعه جهانی (WDI) جمع‌آوری شده است. در این تحقیق از روش‌های اقتصادسنجی استفاده شده است از قبیل آزمون دیکی-فولر برای بررسی مانائی متغیرها و مدل‌های پویای تصحیح خطای برداری و الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) برای تجزیه و تحلیل مدل استفاده می‌شود. این مدل‌ها امکان تعیین روابط بلند مدت بین متغیرهای درونزا را مهیا می‌سازند و رفتار کوتاه مدت متغیرها را در ارتباط با مقادیر تعادلی بلند مدت آن‌ها نشان می‌دهند. این ویژگی‌های منحصر به فرد؛ مدل‌های تصحیح خطای برداری را از سایر مدل‌های ساختاری و غیر ساختاری اقتصادسنجی متمایز می‌سازد. در این تحقیق هدف بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رفاه اجتماعی در ایران است که از مطالعه خاکپور و باوان پوری (۱۳۸۹)، و قائد و همکاران (۱۳۹۹)، الهام گرفته شده است. متغیر وابسته تحقیق رفاه اجتماعی است، همچنین متغیر مستقل شاخص توسعه انسانی (HDI) است که شامل آموزش (تحصیلات)، امید به زندگی و درآمد سرانه (GDP) می‌باشد. مدل تحقیق به صورت زیر تصریح شده است:

$$LW_t = \beta_0 + \beta_1 LEI_t + \beta_2 LLE_t + \beta_3 LGDP_t + \epsilon_t \quad (1)$$

$$HDI = \frac{1}{3} (\text{شاخص درآمد سرانه} + \text{شاخص آموزش} + \text{شاخص امید به زندگی}) \quad (2)$$

LEI_t: بیانگر شاخص آموزش (تحصیلات)

LLE_t: شاخص امید به زندگی

LGDP_t: شاخص درآمد سرانه

LW_t: شاخص رفاه اجتماعی که در این تحقیق از شاخص رفاه اجتماعی سن استفاده شده است. داده‌های مربوط به متغیرها از سایت بانک مرکزی جمع‌آوری شده است. «سن» در سال ۱۹۷۴ تابع زیر را به عنوان تابع رفاه اجتماعی پیشنهاد کرد (جلالی، ۱۳۸۹).

$$W = \mu(1-G) \quad (3)$$

که μ میانگین و G ضریب جینی توزیع درآمد می‌باشند. با دیفرانسیل‌گیری از رابطه مذکور می‌توان به این تقریب رسید (صیادزاده و احمدی، ۱۳۸۵).

$$\Delta W \approx (1-G) \Delta \mu - \mu \Delta G \quad (4)$$

با استفاده از این رابطه به مطالعه تغییرات رفاه برحسب تغییرات G و μ در طی دوره مورد بررسی پرداخته می‌شود. به طوری که عبارت اول تأثیر تغییرات μ بر رفاه را سنجیده و عبارت دوم تغییر در نابرابری توزیع درآمد را بیان می‌کند. بدیهی است زمانی که شاهد افزایش در نابرابری توزیع درآمد هستیم از تأثیر افزایشی μ (در صورت وجود داشتن) کاسته می‌شود. بنا به تعریف ضریب جینی، این شاخص معادل دو برابر فضای بین منحنی لورنز و خط است و بنابراین $(G-1)$ معادل دو برابر فضای زیر منحنی لورنز است. لذا با عنایت به تعریف منحنی لورنز تعمیم یافته شاخص «سن» معادل دو برابر فضای زیر منحنی لورنز تعمیم یافته است به عبارت دیگر (همان، ۱۳۸۵):

$$W = \mu(1 - G) = 2 \int_0^1 GL(p) dp \quad (5)$$

فرضیه‌های تحقیق نیز به شرح زیر می‌باشند:

۱. آموزش (میزان تحصیلات) بر شاخص رفاه اجتماعی در ایران تأثیر دارد.
۲. امید به زندگی بر شاخص رفاه اجتماعی در ایران تأثیر دارد.
۳. درآمد سرانه بر شاخص رفاه اجتماعی در ایران تأثیر دارد.

یافته‌ها

اصولاً استفاده از روش‌های معمول اقتصادسنجی در تخمین ضرائب الگوهای سری زمانی بر فرض مانایی متغیرهای الگو مبتنی است. در الگوی تصحیح خطای برداری که از الگوهای خود توضیح‌برداری هم‌جمع به شمار می‌رود، جهت مانا نمودن متغیرهای نامانا از مفهوم هم‌جمعی بهره گرفته می‌شود و اطلاعات مربوط به روابط تعادلی بلند مدت بین متغیرها نیز در مدل حفظ می‌گردد. از جمله مواردی که لازم است در برآورد الگو مورد بررسی قرار گیرد، آزمون مانایی متغیرها می‌باشد. برای بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد که در زیر از آزمون فیلیپس پرون استفاده شده و نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون فیلیپس پرون مربوط به بررسی مانایی متغیرهای مدل

متغیرها	احتمال	مقدار آماره محاسباتی	مقدار بحرانی	نتیجه
رفاه اجتماعی	۰/۰۰۰	-۳/۳۰	-۳/۸۷	مانا
شاخص آموزش	۰/۰۰۱	-۳/۴۵	-۳/۵۵	مانا
شاخص امید به زندگی	۰/۰۰۰	-۲/۷۸	-۳/۵۶	مانا
شاخص درآمد سرانه	۰/۰۰۰	-۲/۰۲	-۲/۹۵	مانا

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۱) مشاهده می‌شود که همه متغیرهای تحقیق در سطح مانا می‌باشند. یکی از مراحل اصلی در تخمین مدل خودرگرسیون برداری، انتخاب وقفه و درجه بهینه مدل است. در انتخاب درجه بهینه مدل، بسیار مهم است که درجه بالایی برای آزمون انتخاب گردد، به گونه‌ای که اطمینان حاصل شود که درجه بهینه مدل، از آن مقدار بیشتر نیست. در جدول (۲) تعداد وقفه بهینه بررسی شده است. به دلیل این که استفاده از معیار شوارتز باعث از دست دادن درجه آزادی کمتری نسبت به دیگر معیارها می‌شود، لذا در این تحقیق وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز انتخاب گردیده است.

جدول شماره (۲): تعیین وقفه‌های بهینه

حتمان کوئین	معیار شوارتز-بیزین	معیار آکاییک	وقفه
-۱۸/۵۶۸۲	۱۰۲/۴۳۳۵	۱۲۰/۵۴۶۵	۰
-۲۱/۳۵۴۷	*۲۰۴/۶۸۲۲	۲۱۲/۶۳۷۴	۱
*-۲۱/۶۵۲۸	۱۹۴/۸۷۳۵	*۲۱۸/۴۷۵۷	۲

* نشان دهنده بیشترین مقدار معیار شوارتز-بیزین

با توجه به نتایج به دست آمده، تعداد وقفه بهینه برای تخمین مدل بر اساس معیار شوارتز ۱ وقفه می‌باشد. گام بعدی، موضوع بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهاست که روش رایج به منظور آزمون درجه هم انباشتگی سری‌های اقتصادی استفاده از آزمون جوهانسن می‌باشد. نتیجه آزمون اثر و حداکثر مقادیر ویژه در جدول (۳) آمده است. در روش جوهانسن برای به دست آوردن رابطه بلند مدت ابتدا با استفاده از آزمون حداکثر مقدار ویژه (λ_{max}) و آزمون اثر (λ_{trace})، تعداد بردارهای همگرایی مشخص می‌شود.

جدول شماره (۳): نتیجه آزمون هم انباشتگی جوهانسون

فرضیه صفر	آزمون اثر		آزمون حداکثر مقادیر ویژه	
	آماره	مقدار بحرانی	آماره	مقدار بحرانی
$r=0$	۵۳/۸۶۰۵	۴۷/۸۵۶۱	۲۶/۵۸۴۳	۲۷/۵۸۴۳
$r \leq 1$	۳۱/۶۵۱۲	۲۹/۷۹۷۰	۲۰/۳۶۵۵	۲۱/۱۳۱۶
$r \leq 2$	۱۱/۳۱۲۴	۱۵/۴۹۴۷	۶/۷۵۵۲	۱۴/۲۶۴۶

(مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد)

بر اساس نتایج جدول (۳)، در سطح ۵ درصد وجود حداقل ۱ بردار هم انباشتگی پذیرفته می‌شود، یعنی فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها با ۹۵ درصد اطمینان رد شده و حداکثر یک رابطه تعادلی بلند مدت بین متغیرها برقرار است.

پس از تحلیل وقفه‌های الگوی تحقیق، نتایج بردارهای همگرایی و نرمال شده مدل نهایی از طریق تخمین مدل رگرسیون VAR در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول شماره (۴): خلاصه نتایج بردارهای همگرایی و نرمال شده مدل تحقیق

نام متغیر	مدل دارای عرض از مبدأ غیر		مدل دارای عرض از مبدأ		مدل دارای عرض از مبدأ مقید،	
	مقید و روند زمانی مقید		غیر مقید، بدون روند زمانی		بدون روند زمانی	
	بردار	بردار نرمال شده	بردار	بردار نرمال شده	بردار	بردار نرمال شده
	همگرایی		همگرایی		همگرایی	
LEJ	۰/۳۴۵۲۱	۷/۸۲۴۵۰	۰/۵۲۴۱۲	۲/۲۴۰۵۴	۲/۸۶۵۴۷	۰/۱۲۷۵۴
LLE	۰/۳۸۶۴۲	۷/۳۰۲۴۷	۰/۳۲۷۴۲	۶/۶۵۲۰۴	۲/۶۳۵۷۴	۰/۱۶۲۳۴
LGDP	۰/۲۰۷۲۴	۷/۲۰۷۵۶	۰/۱۵۲۴۳	۵/۷۷۶۰۲	۴/۲۸۷۴۵	۰/۱۷۴۲۳
Intercept	-----	-----	-----	-----	۳/۶۳۵۴۲	۳/۸۵۳۴۲
Trend	۳/۲۰۷۰	۷/۵۳۲۴۲	-----	-----	-----	-----

مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص آموزش برابر $۲/۸۶۵۴۷$ است. ضریب به دست آمده نشان می‌دهد که تاثیر شاخص آموزش بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است. مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص امید به زندگی برابر $۲/۶۳۵۷۴$ است. ضریب به دست آمده نشان می‌دهد که تاثیر شاخص امید به زندگی بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است. مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص درآمد سرانه برابر $۴/۲۸۷۴۵$ است. ضریب به دست آمده نشان می‌دهد که تاثیر شاخص درآمد سرانه بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است.

آن چه در مباحث تخمین الگوهای خود توضیح‌برداری حائز اهمیت است، روابط بین متغیرها و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. نتایج به دست آمده روش VAR در جدول (۵) نمایش داده شده است. همچنین در این جدول اعدادی که در قسمت بالا نوشته شده‌اند بیانگر ضرایب متغیرها و اعدادی که در قسمت پایین و داخل پرانتز نوشته شده‌اند بیانگر مقدار انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی در مدل می‌باشند.

جدول شماره (۵): نتایج تاثیر شاخص‌های توسعه انسانی بر رفاه اجتماعی از مدل VAR

	شاخص درآمد سرانه	شاخص امید به زندگی	شاخص تحصیلات	شاخص رفاه اجتماعی
شاخص رفاه اجتماعی	۰/۳۲۷۵ (۰/۰۸۳۶)	۰/۰۲۷۷ (۰/۱۲۰۷)	-۰/۱۰۰۳ (۰/۱۲۴۳)	۰/۶۷۸ (۰/۲۱۴۵)
شاخص تحصیلات	۱/۱۲۰۷ (۰/۸۷۲)	۰/۰۵۸۴ (۰/۰۴۵۳۸)	۱/۱۰۸۷ (۰/۲۱۴۳)	-۰/۰۳۸۷۵ (۰/۱۰۴۵)
شاخص امید به زندگی	۰/۸۶۵۳ (۰/۲۰۱۴)	۰/۶۸۷۵ (۰/۲۴۵۷)	-۰/۲۱۷۸ (۰/۳۲۱۷)	۰/۰۴۳۱ (۰/۵۲۷۱)
شاخص درآمد سرانه	-۰/۶۳۵۴ (۰/۲۰۷۱)	-۰/۵۷۸۴ (۰/۲۱۷)	-۰/۰۵۴۳ (۰/۰۸۷۴)	۰/۰۲۴۳ (۰/۰۲۴۵)

معمولاً در استنتاج نتایج مربوط به الگوی خودرگسیون برداری، به توابع واکنش آنی تجمعی و تجزیه واریانس توجه می‌شود. واکنش آنی، مؤلفه‌های مربوط به متغیرهای درونزا را به تکانه‌ها با جهش‌هایی تفکیک می‌کند که با متغیرهای خاص وارد می‌شوند، سپس تأثیر تغییر در جهش‌های به اندازه یک انحراف معیار، تکانه‌های مقادیر جاری و آینده متغیرهای درونزا را مشخص می‌کند. به کمک تجزیه واریانس سهم بی‌ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده به هر یک از متغیرهای دیگر الگو تعیین می‌شود. با تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی قادر خواهد بود اثر هر متغیر بر متغیرهای دیگر را در طول زمان اندازه‌گیری کند. به عبارت دیگر تجزیه واریانس، خطای پیش‌بینی برآورد در اثر تغییرات به وجود آمده در یک متغیر توسط دیگر متغیرها را در چارچوب الگوی عکس‌العمل مشخص می‌کند. در این روش واریانس خطای به دست آمده بیانگر این است که چند درصد واریانس خطای پیش‌بینی به وسیله خود متغیر و چند درصد به وسیله متغیرهای پیش‌بینی به عناصری که تغییرات هر یک از متغیرها را در بر دارند تجزیه می‌گردد. در این پژوهش، تأثیر این تکانه در دوره ۳۰ ساله بررسی می‌شود. در این بخش از آوردن نمودارهای عکس‌العمل رفاه اجتماعی نسبت به متغیرها صرف‌نظر شده و تنها به بیان نتایج در قالب جداول آماری برای سال‌های نمونه بسنده شد. در جدول (۶) نتایج تجزیه واریانس متغیرها نشان داده شده است.

جدول شماره (۶): نتایج حاصل از تجزیه واریانس خطای پیش‌بینی برای رفاه اجتماعی

دوره	خطای پیش‌بینی (S.E)	رفاه اجتماعی	شاخص تحصیلات	شاخص امید به زندگی	شاخص درآمد سرانه
۱	۰/۱۲۸۶۵۴	۱۰۰	۰	۰	۰
۲	۰/۱۵۳۳۴۷	۷۸/۳۲۱	۲۰/۴۷۲	۰/۶۴۵	۳/۴۵۶
۳	۰/۱۸۱۴۲۵	۵۶/۵۳۲	۴۵/۵۵۱	۰/۶۱۳	۳/۰۸۹
۴	۰/۲۰۲۴۱	۲۹/۲۰۳	۵۰/۴۸۳	۰/۷۰۱	۴/۱۰۲
.....
۲۸	۰/۳۷۸۶۴۵	۲۶/۴۸۱	۷۲/۵۴۲	۰/۸۳۵	۵/۳۵۴
۲۹	۰/۴۱۳۵۶۷	۲۵/۴۲۱	۷۵/۷۴۱	۰/۸۷۶	۵/۲۱۷
۳۰	۰/۴۳۵۷۸۲	۲۵/۰۰۲	۷۵/۸۸۳	۰/۹۸۶	۵/۵۸۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود بر اساس اعداد انحراف معیار، خطای پیش‌بینی متغیرهای مربوطه طی دوره‌های مختلف مشخص شده‌اند، به طوری که خطای پیش‌بینی در دوره اول برای رفاه اجتماعی به میزان ۰/۱۲۸ درصد و در دوره دوم ۰/۱۵۳ درصد و در طول زمان روندی افزایشی داشته است. ستون‌های بعدی درصد واریانس ناشی از تغییر ناگهانی یا تکانه مشخص را نشان می‌دهد.

بحث و نتایج

تأمین رفاه فرد و اجتماع از سوی دولت از دیرباز میان متفکران و جوامع گوناگون مورد بحث بوده است. رفاه اجتماعی، دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی را در بر می‌گیرد که تحت نظارت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد و جامعه انجام می‌شود. یکی از متغیرهایی که می‌تواند بر رفاه اجتماعی تأثیرگذار باشد شاخص توسعه انسانی است. شاخص توسعه انسانی با هدف افزایش دامنه قدرت انتخاب و گسترش توانایی‌های انسان، معیار موفقیت در فرایند توسعه انسانی است. شاخص توسعه انسانی از سه معیار امید به زندگی، آموزش و تولید ناخالص داخلی سرانه تشکیل شده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر توسعه انسانی بر رفاه اجتماعی در ایران بوده که با استفاده از روش خودرگرسیون برداری (VAR) در دوره زمانی ۱۳۶۶ الی ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا برای اطمینان از نتایج آزمون و کاذب نبودن نتایج در برآورد الگو، مانایی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور از آزمون فیلیپس پرون استفاده شد که بر اساس نتایج این آزمون همه متغیرهای تحقیق در سطح مانا بودند. در مرحله بعدی و اصلی تخمین مدل خودرگرسیون برداری، انتخاب وقفه و درجه بهینه مدل مدنظر بوده که تعداد ۱ وقفه بهینه با استفاده از معیار شوارتز انتخاب گردید، چرا که معیار شوارتز باعث از دست دادن درجه آزادی کمتری نسبت به دیگر معیارها می‌شود. گام بعدی، موضوع بررسی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها بود که روش رایج به منظور آزمون درجه هم انباشتگی سری‌های اقتصادی استفاده از آزمون جوهانسن می‌باشد. در روش جوهانسن برای به دست آوردن رابطه بلندمدت ابتدا با استفاده از آزمون حداکثر مقدار ویژه (λ_{max}) و آزمون اثر (λ_{trace})، تعداد بردارهای همگرایی مشخص و در سطح ۵ درصد وجود حداقل ۱ بردار هم انباشتگی پذیرفته شد، یعنی عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها با ۹۵ درصد اطمینان رد شده و حداکثر یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها برقرار بوده است. پس از تحلیل وقفه‌های الگوی تحقیق، نتایج بردارهای همگرایی و نرمال شده، مدل نهایی از طریق تخمین مدل رگرسیون VAR بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که رابطه معناداری بین شاخص توسعه انسانی و رفاه اجتماعی در ایران وجود دارد. مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص آموزش برابر $۲/۸۶۵۴۷$ به دست آمد. ضریب به دست آمده نشان می‌دهد که تأثیر شاخص آموزش بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است. مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص امید به زندگی برابر $۲/۶۳۵۷۴$ بوده که نشان می‌دهد تأثیر شاخص امید به زندگی بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است. مقدار بردار نرمال شده برای متغیر شاخص درآمد سرانه برابر $۴/۲۸۷۴۵$ بوده و این ضریب نشان می‌دهد که تأثیر شاخص درآمد سرانه بر شاخص رفاه اجتماعی مثبت و معنادار است. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده هر سه فرضیه مورد تأیید بوده و شاخص آموزش (تحصیلات)، امید به زندگی و درآمد سرانه بر شاخص رفاه اجتماعی تأثیر مثبتی دارند.

آن چه در مباحث تخمین الگوهای خود توضیح‌برداری حائز اهمیت است، روابط بین متغیرها و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است که با توجه به نتایج به دست آمده از توابع واکنش آنی تجمعی و تجزیه واریانس در روش VAR، سهم بی‌ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده به هر یک از متغیرهای دیگر الگو

تعیین گردید. در این پژوهش، تأثیر این شوک و تکانه‌ها در دوره ۳۰ ساله بررسی شد و نتایج به دست آمده بیانگر این بوده که در دوره اول ۱۰۰ درصد نوسانات توسط خود متغیر توضیح داده می‌شود. این روند در دوره‌های بعدی یک روند نزولی به خود گرفته و به ترتیب در دوره سوم و سی‌ام به ۵۶/۵۳۲ و ۲۵/۰۰۲ درصد می‌رسد. میزان شوک وارده بر شاخص آموزش در ابتدا برابر صفر بوده و این شوک در سال دوم افزایش یافته و به ۲۰/۴۷۲ درصد می‌رسد. این روند در دوره سوم افزایش یافته و به ۴۵/۵۵۱ درصد می‌رسد. پس از دوره سوم تا انتهای دوره دهم میزان شوک شاخص آموزش همواره افزایش داشته است، به طوری که در دوره سی‌ام، به ۷۵/۸۸۳ درصد رسیده است. میزان شوک وارده بر شاخص امید به زندگی نیز در ابتدا برابر صفر بوده و این شوک در سال دوم افزایش یافته و به ۰/۶۴۵ درصد می‌رسد. روند افزایشی شاخص امید به زندگی تقریباً طی دوره‌های مختلف افزایش یافته و در پایان دوره سی‌ام به ۰/۹۸۶ درصد می‌رسد. میزان شوک وارده بر شاخص درآمد سرانه در ابتدا برابر صفر بوده و این شوک در سال دوم افزایش یافته و به ۳/۴۵۶ درصد می‌رسد. روند افزایشی شاخص درآمد سرانه طی دوره‌های بعدی همچنان ادامه می‌یابد و در نهایت در پایان دوره مورد بررسی به ۵/۵۸۷ درصد می‌رسد. همچنین نتایج بررسی‌ها نشان داد شوک در شاخص‌های توسعه انسانی از قبیل شوک‌های آموزش، شاخص امید به زندگی و درآمد سرانه به ترتیب ۲۰/۴۷۲، ۰/۶۴۵ و ۳/۴۵۶ درصد در کوتاه مدت و ۷۵/۸۸۳، ۰/۹۸۶ و ۵/۵۸۷ درصد از تغییرات بلند مدت رفاه اجتماعی در ایران را توضیح می‌دهند.

با توجه به نقش تأثیرگذار شاخص توسعه انسانی بر رفاه اجتماعی، به سیاست‌گذاران کشور پیشنهاد می‌شود از طریق صرف هزینه‌های آموزشی و بهداشتی در راستای بهبود کمی و کیفی آموزش، ارتقای سطح بهداشت جامعه و در نهایت بهبود سرمایه انسانی کوشا باشند. همچنین با گسترش برنامه‌های حمایت‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان) و استفاده از تجربیات کشورهای موفق و پیشرو از طریق همکاری با دیگر کشورها در سطح بین‌الملل در دستیابی به درآمد سرانه بالاتر و توسعه پایدار در راستای توسعه عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های درآمدی بکوشند.

در ادامه از جمله محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به عدم کنترل متغیرهایی نظیر شرایط اقتصادی و سیاسی، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی اشاره نمود که می‌تواند متغیرهای پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. وجود تورم و نوسانات نرخ ارز سبب می‌شود تا اطلاعات به دست آمده به صورت دقیق نتواند گویای رفاه اجتماعی در جامعه باشد و آن را به نحو درستی نشان دهد. بنابراین، با در نظر گرفتن اثر تورم، ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود. برای تحقیقات آتی نیز پیشنهاد می‌شود تحقیق حاضر به صورت مقایسه‌ای در بین دو یا چند کشور مورد بررسی قرار گیرد، همچنین از دیگر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل نرخ ارز، نرخ تورم و ... به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شود.

منابع

- آرمان‌مهر، محمدرضا؛ و فرهنگ‌منش، آسیه. (۱۳۹۶). بررسی اثر تغییرات قیمت بر رفاه خانوارهای شهری به تفکیک دهک‌های درآمدی و گروه‌های کالایی، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*. سال ۱۱، شماره ۳، (پیاپی ۳۹)، صص ۷۴-۴۹.
- احمدی، احمد؛ و رضایی، حبیبیه. (۱۳۹۴). رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان (مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان)، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۲۴، پاییز، صص ۲۶۷-۲۳۱.
- امین‌رشتی، نارسیس؛ و قربانی ولیک چالی، عاطفه. (۱۳۹۲). نقش نظام تأمین اجتماعی بر توسعه انسانی در ایران، *فصلنامه اقتصاد مالی*. دوره ۷، شماره ۲۳، (پیاپی ۲۳)، بهار، صص ۱۱۰-۸۱.
- برخورداری، سجاد؛ ابریشمی، حمید؛ و ذوالفقاری، مجتبی. (۱۳۹۸). تأثیر توسعه مالی بر توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه با تمرکز بر ویژگی‌های نهادی، اجتماعی و اقتصادی، *فصلنامه اقتصاد مالی*. دوره ۱۳، شماره ۴۸، (پیاپی ۴۸)، صص ۲۳۸-۲۱۷.
- پارسا، حجت؛ و پناهی، فاطمه. (۱۳۹۷). *بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی و مصرف انرژی بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای منتخب اوپک*. اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مشهد، <https://civilica.com/doc/819507>.
- جعفری صمیمی، احمد؛ زروکی، شهریار؛ و ساداتی امیری، سیده رقیه. (۱۳۹۷). تحلیل رفاه اقتصادی با تأکید بر ابعاد جهانی شدن، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*. سال ۱۲، شماره ۴، (پیاپی ۴۴)، زمستان، صص ۲۳-۱.
- جلالی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی تابع رفاه اجتماعی در ایران، *روند*. تیر، صص ۱۸۶-۱۶۹.
- حیدری، حسن؛ و اصغری، رعنا. (۱۳۹۳). تأثیر تغییرات باروری و میزان جمعیت بر رفاه اقتصادی با تأکید بر سرمایه انسانی، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*. زمستان، شماره ۱۸، صص ۲۳۹-۲۰۵.
- خاکپور، براتعلی؛ و باوان پوری، علیرضا. (۱۳۸۹). *بررسی شاخص توسعه انسانی در کشورهای اسلامی*. چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان، فروردین، <https://civilica.com/doc/82936/>.
- خوشنویس، مریم؛ و پژوهشگران، جمشید. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آلودگی محیط زیست بر شاخص توسعه انسانی (HDI) در کشورهای توسعه یافته، *فصلنامه اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*. دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۶۷-۳۹.
- رافعی، میثم؛ و صیادی، محمد. (۱۳۹۷). سیاست مالی دولت و رفاه اجتماعی در ایران با تأکید بر شاخص آمارتیباسن (رهیافت آزمون ARDL کرانه‌ها)، *فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی*. دوره ۸، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۶۸-۱۵۱.
- سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید؛ و قضاوی، رسول. (۱۳۸۷). بررسی اثر ترکیب بودجه دولت بر رفاه اجتماعی در ایران (دوره زمانی: ۱۳۸۲-۱۳۶۰)، *مجله توسعه و سرمایه*. سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۷۰-۴۹.
- صیادزاده، علی؛ و احمدی، سیدمحمد مهدی. (۱۳۸۵). بررسی تابع رفاه اجتماعی آمارتیباسن در ایران: یک تحلیل نظری و تجربی، *نامه مفید*. دوره ۱۲، شماره ۵۷، دی، صص ۱۳۸-۱۲۳.
- قائد، ابراهیم؛ خداپرست مشهدی، مهدی؛ و راجی اسدآبادی، محسن. (۱۳۹۹). نقش آموزش نیروی انسانی در رفاه اجتماعی کشورهای عضو اوپک، *فصلنامه تحول اداری*. سال ۳، شماره ۹، (پیاپی ۶۳)، صص ۳۴-۲۰.
- محمد علیخانی، سلیمه؛ آسفزاده، سعید؛ محبی‌فر، رفعت؛ و منتظری، علی. (۱۳۹۱). بررسی شاخص توسعه انسانی در ایران و کشورهای منتخب، *پایش*. دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۴۲۳-۴۱۵.
- مجتهد، احمد؛ و احمدیان، اعظم. (۱۳۸۶). اثر سیاست‌های ارزی مختلف بر رفاه اجتماعی ایران، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*. بهار ۱۳۸۶، دوره ۹، شماره ۳۰، صص ۱۲-۱.
- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی. (۱۳۹۸). *تحلیل شاخص توسعه انسانی استان اصفهان مطالعه موردی: شهرستان‌های استان*. بهار، صص ۱۲۸-۱.

مهدوی، روح‌اله. (۱۳۹۵). اثرات توزیع مجدد درآمد حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر تقاضا و رفاه خانوارها با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. دوره ۶، شماره ۲۲، (پیاپی ۲۲)، بهار، صص ۳۶-۲۱.

نادمی، یونس؛ و مفتخری، علی. (۱۳۹۶). حد بهینه فعالیت‌های دولت و رفاه اجتماعی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۴: رویکرد سری زمانی غیرخطی، فصلنامه رفاه اجتماعی. شماره ۱۷، (پیاپی ۶۷)، زمستان، صص ۳۶-۹.

ناصر بافقی، مهدیه؛ و دهقان تفتی، محمدعلی. (۱۳۹۵). مقایسه تطبیقی تاثیر تورم بر رفاه اقتصادی برخی از کشورهای عضو اوپک. همایش پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، موسسه پژوهشی مدیریت مدبر، دانشگاه تهران، <https://civilica.com/doc/492531>

وفائی، الهام؛ محمدزاده، پرویز؛ اصغرپور، حسین؛ و فلاحی، فیروز. (۱۳۹۷). ارزیابی رفاه اجتماعی و همگرایی رفاه استان‌های ایران برای سنجش توسعه مناطق ایران. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی. سال ۱۲، شماره ۳، (پیاپی ۴۳)، صص ۲۳-۱.

Akpan, E. (2011). Effective Safety and Health Management Policy for Improved Performance of Organizations in Africa, **International Journal of Business and Management**. Vol. 6, No. 3; March, P.p: 159 -165, www.ccsenet.org/ijbm.

Antras, P., Gortari, A. and Itskhoki, O. (2016). Globalization, inequality and welfare, **NBER Working Paper**. No. 22676.

Fournier, J., M. and Johansson, A. The effect of the size and the mix of public spending on growth and inequality, **Organisation for Economic Co-operation and Development**. UnclassifiedECO/WKP(2016)68, WORKING PAPER No. 1344, report OF OECD Working Papers, P.p: 1-54.

Hartmann, D., Guevara, M., Jara, F. and Hidalgo, M. (2015). Linking Economic Complexity, Institutions and Income Inequality, **Journal Of World Development**. Vol. 104, No.120, P.p: 34-77.

Hemous, D., and Olsen, M. (2014). The Rise Of The Machines: Automation, Horizontal Innovation And Income Inequality, **Society For Economic Dynamics**. Vol. 162, No.120, P.p: 35-57.

Kuen Kim, T. and Zurlo, K. (2009). How does economic globalization affect the welfare state? Focusing on the mediating effect of welfare regimes, **International Journal of Social Welfare**. No. 18, P.p: 130-141.

Analysis of social welfare in Iran with emphasis on human development from the perspective of economic sociology

Monireh Dizaji

*Corresponding author, Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad university, Tabriz, Iran.
E-mail: dizaji@iaut.ac.ir*

One of the appropriate criteria for assessing the situation of any country is to assess the social status and welfare of that country and improving the social welfare status of any society should be considered as one of the macroeconomic goals. The concept of human development emphasizes the goals of progress and development instead of focusing on tools. Human development means the process of expanding people's choice and improving their Welfare. The most important dimensions of human development are a long and healthy life, knowledge and dignified living standards. The subject of this study is to investigate the impact of human development dimensions on social welfare in Iran. The statistical society is the macroeconomic variables of Iran during the years 1987 to 2017. Data analysis was performed using E views software and vector auto regression method. The results show that, there is a significant relationship between human development index and social welfare in Iran. So that the value of the normalized vector for the variable of education index, life expectancy and per capita income are equal to 2.86547, 2.353574 and 4.28745, respectively. The results also showed that, shocks in human development index such as education shocks, life expectancy index and per capita income were 20.472, 0.645 and 3.456 percent in the short term, respectively, and 75.883, 0.986 and 5.587% explain the long-term changes in social welfare in Iran.

Key words: *Human development, Social Welfare, Education, Life expectancy, Per Capita Income.*